

The Life Of

Minamoto Musashi

زندگینامه

میاموتو موساشی

مترجم : مصطفی پروار

میاموتو موساشی

شمشیرزن افسانه ایی ژاپن

این کتاب را به همه ی کن جوتسو کاران عزیز کشورمان تقدیم میکنم .

The Way Of The Samurai Is Found In **Death** .

Hagakure

راه یک سامورایی در **مرگ** یافت میشود .

هاگاکوره

When The World Is At Peace A Gentleman An Keeps His Sword

By His Side .

Wu Tsu

هنگامی که جهان در صلح به سر میبرد ، یک مرد دانا شمشیرش را

وو تسو

در کنار خود نگاه میدارد .

فهرست

4	پیشگفتار مترجم
5	شینمن مونیسای
6	خاندان شینمن
7	استخدام مونیسای توسط خاندان شینمن
8	مبارزه مونیسای و یوشیوکا
9	میاموتو موساشی
10	تولد موساشی
11	مونیسای و تاریخ تولد موساشی
14	تربیت میاموتو موساشی
16	آموزش شمشیرزنی موساشی
17	مبارزه موساشی و آریما کیهی
19	سفرها و مبارزات
23	مبارزه موساشی و ساساکی کوچیرو
24	خدمات موساشی
27	مذهب موساشی
28	کنسی
30	گورین نو شو
36	هیوهو نیتن ایچی ریو
40	دوککودو
43	بعد از مرگ و زندگی
44	تصاویر
51	منابع

پیشگفتار مترجم

این کتاب در مورد کسی است که هیچگاه شکست را تجربه نکرده است ! دشمنانش جرات نگاه کردن به چشمان او را نداشتند . او کسی بود که از شمشیر استفاده نمی کرد ، سلاحی به اسم بوکن همیشه در جنگها یار و یاور او بوده ، او حد و مرزی برای هنر خود نمیدیده و هرگز خود را فردی قدرتمند نمیدانسته است . هرچند هنر او بی نقص است اما هیچ وقت از هنر خود راضی نبوده و همیشه برای تکامل بخشیدن هنر خود کوشیده است .

سال 1584 ، کودکی متولد میشود ، کسی چه میدانست این کودک روزی به اسطوره شمشیرزنی تبدیل میشود . در سن 13 سالگی مبارزه برای زنده ماندن را تجربه میکند . بعد از مدتی او چنان نیرومند میشود که کسی را یارای مقاومت در برابر او نیست ! او کسی نیست جزء ، *میاموتو موساشی افسانه ایی* ...

موساشی زندگی پر فراز و نشیبی داشته است ، تاکنون در مورد زندگینامه موساشی کتاب های متعددی همچون : *کتاب سامورایی تنها* ، *کتاب چند جلدی موساشی و همچنین صدها مقاله* نگاشته شده است . کتاب حاضر چکیده ایی از تمامی این کتاب ها و مقالات است . سعی کردم تا حداقل بخشی از زندگی موساشی را روشن کنم تا بدانیم این مرد بزرگ چگونه استراتژی داشته که به این درجه رسیده است . او نه تنها جنگجویی بی نظیر بلکه نقاش و خطاط ماهری نیز بوده است .

در مورد پدر و مادر موساشی اطلاعات زیادی وجود ندارد ، ولی تا حد امکان سعی کرده ام که در ابتدا شما را با پدر او آشنا سازم ، زیرا او هم جنگجوی بزرگی بوده است . *امیدوارم از خواندن این کتاب نهایت لذت را ببرید .*

مصطفی پروار

بهار 1391

شینمن مونیسا

شینمن مونیسای یا هیراتا مونیسای یک رزمی کار فوق العاده حرفه ایی بود که در استفاده از سلاح هایی همچون شمشیر سامورایی و جوته استادی بی نظیر محسوب میشد. مونیسای پسر هیراتا شوگان یکی از هم پیمانان شینمن ایگا نو کامی ، پادشاه قلعه تاکایاما در ناحیه یوشینو واقع در استان میماساکا بود. مونیسای یکی از مریدان ارباب شینمن سوکان ، رئیس خاندان شینمن شد ، بنابراین به او اجازه استفاده کردن از نام « شینمن » داده شد. مونیسای یکی از معدود کسانی بود که توانست عنوان « بی رقیب در زیر آفتاب » را بدست بیاورد ، این عنوانی بود که توسط آشیکاگا شوگان به او داده شده بود.

خاندان شینمن

خاندان شینمن ، خاندانی ژاپنی بودند که در طول دوره سنگوکا (قرن 15 - 16) و دوره ادو (قرن 17) فعالیت داشتند . این خاندان در غرب توکیو ساکن بودند .

شینمن یک خانواده قدرتمند (دایمیو) بود . خاندان شینمن بدلیل آنکه شمشیرزان ماهر و قدرتمندی را به عنوان تبعه خود به کار میگرفت ، شناخته شده اند . یکی از اعضای معروف خاندان شینمن ، شینمن سوکان (قرن 16 میلادی) بود . یکی از بهترین ملازمان آن دوران هیراتا مونیسای (که معمولا به عنوان میاموتو مونیسای یا شینمن مونیسای شناخته میشود) ، پدر شمشیرزن افسانه ای ژاپن ، میاموتو موساشی بود .

مونیسای خیلی زود ملازم ارشد خاندان شینمن شد و سیاست شینمن اجرا شد . تاریخچه خاندان شینمن بعد از دوره ادو به طور ناشناخته باقی مانده است .

استخدام مونیسای توسط خاندان شینمن

شینمن سوکان ، رئیس خاندان شینمن ، پس از شنیدن بعضی چیزها در مورد مهارت مونیسای ، او را به عنوان مربی نیروهای نظامی خود استخدام کرد. مونیسای در طول دوران خدمت خود به شینمن سوکان ، با یک زن به نام یوشیکو ازدواج کرد ، که بعدها آنها صاحب دو فرزند شدند : یک دختر به نام اوگین ، و یک پسر به نام تاکزو (که بعدها به عنوان میاموتو موساشی شناخته میشود) . کمتر یا بیشتر از 5 سال بعد ، هیراتا مونیسای ، یوشیکو را طلاق می دهد و حضانت فرزندان خویش را به عهده می گیرد . همچنین مونیسای ، تاکزو را از رفتن و جستجو برای پیدا کردن مادرش منع می کند.

در سال 1589 ، به دلایل نامعلومی ، رئیس خاندان شینمن به مونیسای دستور می دهد تا شاگردش هونیدن گکی نو سوکه را به قتل برساند .

پس از این رویداد ، مونیسای آموزش تاکزو را در بخش شمشیر و جوتو آغاز می کند ، اما بدلیل کاری که مونیسای در قبل (قتل شاگردش) انجام داده است ، ساکنان دهکده میاموتو خشمگین شدند و او را مجبور کردن تا دهکده میاموتو را ترک کند و به دهکده دورتری به نام کاواکامی نقل مکان کند . مونیسای در سال 1592 فوت کرد .

مبارزه مونیسای و یوشیوکا

مدتی بعد از آن که آشیکاگا یوشیترو ، به مقام شوگان رسید ، یک مسابقه مقایسه ایی در کیوتو بین « مونیسای » که در آن زمان او را هیراتا میخواندند ، و بنیانگذار یوشیوکا - ریو ، مدرسه مبارزه با شمشیر ، « یوشیوکا کنپو » (که همچنین مربی شمشیرزنی آشیکاگا نیز بود) ترتیب داد . در این مبارزه یک بار کنپو و دو بار مونیسای به پیروزی رسیدند . بعد از این رویداد ، دشمنی پسر مونیسای ، میاموتو موساشی با نسل بعد خانواده یوشیوکا آغاز شد . مونیسای با پیروز شدن در این مبارزه باعث شد ، تا شوگان به او عنوان « بی رقیب در زیر آفتاب » را بدهد .

宮本武蔵

میاموتو موساشی

میاموتو موساشی (13 ژون [به تاریخ ژاپن : 19 می] 1584 - 1645 بعد از میلاد مسیح) که همچنین به نام هایی همچون : شینمن تاکزو ، میاموتو بننوساکه ، و یا به نام بودایی خود ، نیتن دوراکا شناخته میشود ، او همچنین یک شمشیرزن ژاپنی و یک رونین نیز بود.

موساشی به راحتی شناخته می شود ، زیرا مبارزات متعددی در سن جوانی خویش انجام داده که همه ی این مبارزات با پیروزی و موفقیت همراه بوده است. او بنیانگذار سبک شمشیرزنی معروف « هیوهو نیتن ایچی ریو » یا « نیتن ریو » است و نویسنده کتاب معروف استراتژی « پنج حلقه » (گورین نو شو) است . این کتاب شامل استراتژی های میدان نبرد ، تاکتیک های مبارزه و همچنین فلسفه می باشد که حتی پس از گذشت سالیان دراز از انتشار آن همچنان مورد مطالعه و استفاده قرار می گیرد .

میاموتو موساشی ، به طور گسترده ایی به عنوان یک کنسی و یکی از بزرگترین و مخفوف ترین مبارزان در تمام دوران به حساب می آید .

تولد موساشی

جزئیات مربوط به اوایل زندگی میاموتو موساشی بزرگ به منظور بررسی و تحقیق و پژوهش به سختی و مشقت زیادی بدست می آید . خود میاموتو موساشی به طور قابل فهمی در کتاب معروف خویش یعنی پنج حلقه (گورین نو شو) بیان می کند که متولد استان هارایما است . نیتن کی (بیوگرافی اوایل زندگی میاموتو موساشی) از این نظریه که موساشی در سال 1584 بعد از میلاد متولد شده ، دفاع می کند : " [او] در بانشو متولد شد ، در 12 تنشو [1584] ، سال میمون . " تاریخ نویسی به نام **تاداشی کامیکو** ، به صورت یادداشت و متن اظهاراتی در مورد میاموتو موساشی می دهد : " [...] مونیسای پدر موساشی بود ... او در دهکده میاموتو زندگی می کرد ، در منطقه یوشینو [واقع در استان میماساکا] . به احتمال زیاد میاموتو موساشی در این منطقه به دنیا آمده است . " نام دوران کودکی میاموتو موساشی ، « **بننوساکه** » بوده است . میاموتو موساشی در کتاب گورین نو شو خودش تمام نام ها و القاب خودش را به صورت روشن بیان کرده است ، مانند این نام : « **شینمن موساشی نو کامی فوجیوارا نو گنشین** » . پدر او شینمن مونیسای یک استاد ماهر در استفاده از شمشیر سامورایی و جوته بوده است . مونیسای نیز پسر شوگان هیراتا یکی از هم پیمانان شینمن ایگا نو کامی ، مالک قلعه ی تاکایاما در ناحیه یوشینو واقع در استان میماساکا ، بود .

هیراتا مونیسای ملازم ارباب شینمن سوکان شد ، در نتیجه به او اجازه ی استفاده از نام شینمن داده شد و به همین صورت برای موساشی ، موساشی نو کامی لقبی به معنای حاکم بود ، حاکم استان موساشی . « فوجی وارا » اصل و نصبی بود که موساشی با آن مدعی تبار اسمی خویش بود .

مونیساک و تاریخ تولد موساشی

به طور مرموزی ، آرامگاه شینمن مونیسای حاکی از آن است که او در سال 1580 فوت کرده است که این تاریخ به وضوح با تاریخ تولد موساشی در سال 1584 در تضاد است . با توجه به شجره نامه خانواده میاموتو ، موساشی در سال 1582 متولد شد . کنجی توکیتسو اشاره به این موضوع دارد که تاریخ تولدی که برای میاموتو موساشی (1584) در نظر گرفته می شود ، اشتباه است ، همانند آن چیزی که در درجه اول مبنی بر خواندن مقدمه کتاب معروف " گورین نو شو " بدست می آید . جایی که موساشی سالهای زندگی خویش را " بالاتر از 60 سال " نشان می دهد (دوازدهمین سال سودمند دوره " تنشو " ، یا سال 1584) . هنگامی که باید آن را در یک حس ادبیاتی و نادرست گرفته باشد ، که سن خاصی را نشان نمی دهد بلکه صرفا موساشی در دهه 60 بوده که آن را نوشته است .

از آنجا که در نسبت شینمن مونیسای قطعیتی وجود ندارد (هنگامی که او فوت کرده است ، آیا واقعا او پدر موساشی است یا خیر ؟ و غیره) مادر شینمن موساشی ، با اینکه قطعیت بیشتری در نسبت آنها

است ، با این حال کمتر شناخته می شود . در اینجا چند احتمال وجود دارد که تک تک آنها مورد

بررسی قرار می دهیم :

فرضیه اول:

تاریخی که آرامگاه مونیسای نشان می دهد ، صحیح است . او در سال 1580 فوت کرد ، ترک دو دختر و همسرش و تولد کودکی به تازگی از خاندان آکاماتسو به ثبت رسید ، که برای موفقیت شینمن مونیسای در مدرسه جوتو خودش در نظر گرفته میشود. او ماسا ، بیوه مونیسای است ، ولی مادر بیولوژیکی میاموتو موساشی نیست.

فرضیه دوم:

تاریخی که آرامگاه شینمن مونیسای نشان می دهد ، صحیح نیست . مونیسای سالهای زیادی زندگی کرده ، به احتمال زیاد تا بعد از سال 1590 . سپس موساشی از همسر اول شینمن مونیسای متولد شد ، یوشیکو (دختر بسشو شیکه هارا ، کسی که قبلا کنترل دهکده ی هیرافوکو را در دست داشت تا هنگامی که در جنگی با یاماناکا شیکانوسو که در سال 1578 شکست خورد و کنترل آنجا را از دست

داد) . شینمن مونیسای بعد از به دنیا آمدن موساشی ، یوشیکو را طلاق داد ، در نتیجه یوشیکو به خانه پدریش بازگشت ، موساشی با همسر دوم مونیسای بزرگ شد ، اوماسا (دختر ارباب شینمن) که به عنوان مادر او است . این ماجرای دوم به طور آشکارا در ابتدای شجره نامه ی خانوادگی تاسومی دیده می شود . دختر **بشوشیگه هارا** که در ابتدا با هیراتا مونیسای ازدواج کرده و پس از چند سال از او طلاق گرفته بود ، بعد از مدتی با شخصی به نام **تاسومی ماساهیسا** ازدواج کرد. همسر دوم تاسومی ماساهیسا مادر واقعی میاموتو موساشی است . نام کودکی موساشی « **هیراتا دن** » بود . میاموتو موساشی در طول دوران کودکی خویش ، برای یافتن مادر واقعی خود به هیرافوکو رفت . او به خانواده تاسومی نقل مکان کرد.

فرضیه سوم:

بخشی از نظریه دوم براساس نوشته های واقعی است که از سنگ قبر اوماسا بدست آمده است . سنگ قبر اوماسا تاریخ تولد میاموتو موساشی را 4 مارس 1584 نشان می دهد و همچنین مرگ او را . مونیسای دوباره با یوشیکو ازدواج می کند . آنها از هم طبق نظریه دوم طلاق می گیرند ، اما یوشیکو ، موساشی را که در آن زمان 7 ساله است را از شینمن مونیسای می گیرد و بعد با تاسومی ماساهیسا ازدواج می کند .

فرضیه چهارم:

کنجی توکیتسو ، فرضی که تاریخ تولد میاموتو موساشی را 1581 نشان می دهد ، بیشتر ترجیح می دهد ، که این از قبول فرضی که سنگ قبر ، نادرست اعلام می کند ، جلوگیری می کند .

تربیت میاموتو موساشی

با صرف نظر کردن از اصل و نسب واقعی میاموتو موساشی به تربیت او می رسیم . هنگامی که موساشی هفت ساله شد ، بعد از آن با عموی خود بزرگ شد ، عموی موساشی ، دورینبو ، در معبد شوریان ، واقع در 3 کیلومتری دهکده ی هیرافوکو بود . موساشی در نزد پدرش شینمن مونیسای هنر شمشیرزنی و هنر خانوادگی خود « جوتیه » را فرا گرفت . آموزش موساشی مدت زیادی طول نکشید زیرا پدرش به دستور رئیس خاندان شینمن ، شینمن سوکان ، مجبور به کشتن شاگرد خویش شد و این مسئله خشم خانواده آن شاگرد را برانگیخت ، بنابراین آنها مونیسای را مجبور کردند دهکده را ترک کند و به دهکده ای دورتر به نام « کاواکامی » نقل مکان کند.

در سال 1592، شینمن مونیسای فوت کرد، هرچند که کنجی توکیتسو بر این عقیده است که شخصی که واقعا در این زمان فوت کرده «هیراتا تاکهیتو» است. میاموتو موساشی در اوایل زندگی خود دچار یک نوع بیماری پوستی به نام «اگزما» دچار شد که این بیماری ظاهر موساشی را وحشتناک ساخت. داستان دیگری حاکی از این است که میاموتو موساشی هیچ وقت حمام نمیرفت، زیرا نمی خواست بدون داشتن اسلحه، از سوی دشمنان خود غافلگیر شود. در حالی که این داستان ها ممکن است پایه و اساس واقعی و معتبری نداشته باشند، چرا که داستان دوم خیلی دور از ذهن می رسد. یکی از اعضای طبقه جنگجو ژاپن اصلا نمی خواهد که بدون حمام کردن و تمیز بودن به عنوان یک مهمان وارد قصرهایی همچون: هوندا، اوگاساوارا و هوسوکاوا شود. این و بسیاری از داستان هایی که در مورد او می گویند احتمالا به افسانه ی او اضافه شده اند و یا به دلیل تفسیرهای نادرستی که از متن های توصیف موساشی می شود،

باشد. سرنوشت پدر او نامشخص است، اما تصور میشود که توسط شخصی که بعدها دشمن موساشی می شود، کشته شده است. آن شخص بعدا به دلیل آنکه مونیسای را آزار داده یا او را به قتل رسانده است، مجازات شد. با این وجود، جزئیاتی از زندگی موساشی بزرگ وجود ندارد، فقط نوشته هایی از موساشی باقی مانده است که برای کسانی که به راه استراتژی و تکنیک علاقه دارند، بسیار مناسب است.

آموزش شمشیرزنی موساشی

این احتمال وجود دارد که نام موساشی از نام یک راهب جنگجو به نام «موساشیو بنکی» گرفته شده است. اما این موضوع تایید نشده است. موساشیو بنکی به «میناموتو نو یوشیتسو» یک ژنرال از خاندان میناموتو، خدمت کرده است. گفته شده است که ممکن است او اولین بار در مدرسه «یوشیوکا - ریو» مورد مطالعه قرار گرفته باشد، همچنین نقل شده است که موساشی به تنهایی این مدرسه را شکست داده است، هرچند که این موضوع به طور یقین مشخص نیست. او آموزش های اصلی و پایه را در نزد پدرش شینمن مونیسای گذراند و یا اینکه از آغاز 7 سالگی در نزد عموی خویش آموزش دیده است. در نهایت نام او از کانجی اصلی خودش گرفته شد، 武蔵، که میتواند به عنوان «تاکزو» و یا موساشی خوانده شود، همانطور که در کتاب موساشی نوشته ی «یوشیکاوا ایچی» توضیح داده می شود.

مبارزه موساشی و آریما کیهی

[من از جوانی ام در راه استراتژی آموزش دیده بودم و در سن سیزده سالگی اولین مبارزه من رویداد .
 حریف من آریما کیهی نام داشت ، شمشیرزن ماهری از مدرسه شینتو - ریو ، من او را شکست دادم .
 در سن 16 سالگی فردی ماهر قدرتمند به نام آکیاما از استان تاجیما را شکست دادم . در سن بیست و
 یک سالگی برای مبارزه به کیوتو رفتم و با چند تن از شمشیرزان بهترین مدارس آنجا مبارزه گرفتم ،
 ولی هیچگاه در مبارزات خود شکست نخوردم

میاموتو موساشی - گورین نو شو]

با توجه به مقدمه کتاب گورین نو شو (پنج حلقه) ، موساشی بیان می کند که اولین مبارزه موفقیت
 آمیزش در سن 13 سالگی روی داده است ، با یک سامورایی به نام آریما کیهی که از سبک کاشیما
 شینتو - ریو استفاده می کرده ، این سبک توسط تسوکاهارا بوکدن تاسیس شد (تولد 1489 - مرگ
 1571) . منبع اصلی که این مبارزه را شرح می دهد « هیوهو سنشی دنکی » است (حکایاتی در مورد
 استادانی که مرحوم شده اند) .

خلاصه آنچه که موجود است به شرح زیر است :

در سال 1596، میاموتو موساشی 13 سال داشت و آریما کیهی، شخصی که در حال سفر برای قوت و جلا بخشیدن هنر شمشیرزنی خود بود، که او در هیرافوکو - مورا از همه دعوت به مبارزه می کرد. میاموتو موساشی نام خود را برای مبارزه با او نوشت. پیکری به معبد دورین که موساشی در آن ساکن بود آمد، به اطلاع موساشی رسید که مبارزه اش با آریما کیهی پذیرفته شده است. دورین، عموی موساشی، به وسیله ی این خبر شوکه شد، و با خواهش کردن سعی کرد مبارزه موساشی را متوقف کند، زیرا سن برادرزاده اش برای مبارزه خیلی کم بود.

کیهی مصمم بود که تنها راهی که وجود دارد این است که موساشی در زمان تعیین شده مبارزه، از او عذرخواهی کند. بنابراین هنگامی که زمان مبارزه فرا رسید، دورین دوباره شروع به عذرخواهی کردن از طرف موساشی کرد، اما آریما کیهی با واکنش حمله کرد، در همین حال موساشی، کیهی را روی زمین انداخت، در حالی که کیهی برای بلند شده تلاش می کرد، موساشی بین چشمان آریما کیهی ضربه ای وارد کرد و بعد آنقدر او را زد تا اینکه آریما کیهی کشته شد. گفته شده است: آریما فردی مغرور بوده است و بیش از حد مشتاق مبارزه ولی شمشیرزنی با استعداد ترسناکی نبوده است.

ویلیام اسکات ویلسون، کتاب «سامورایی تنها»

سفرها و مبارزات:

3 سال بعد در سال 1599 ، موساشی دهکده ی خویش را ترک کرد ، احتمالا در سن 15 سالگی (براساس **توسا کوشی** " ثبت شده در منطقه ساکوشو" ، گرچه **تانجی هوکین هیککا** میگوید : موساشی در سال 1599 ، 15 ساله بود). اموال خانواده اش مانند : میزها ، سلاح ها ، شجره نامه و سوابق دیگر نزد خواهر و شوهر خواهرش « **هیراوو یومون** » باقی ماندند . او وقت خود را صرف مسافرت و انجام مبارزه کرد ، از جمله مبارزه با مردی زبردست به نام **آکیاما** از استان تاجیما.

در سال 1600 ، یک جنگ بین خاندان **تویوتومی** و **توکوگاوا** آغاز شد . به احتمال زیاد موساشی در سمت **تویوتومی** ، " ارتش غرب " می جنگید ، مانند خاندان **شینمن** (که خانواده اش **مدیون وفاداری** آنها بودند) با آنها متحد شد . به طور خاصی ، او در تلاش برای گرفتن قلعه **فوشیمی** در جولای سال 1600 در دفاع در برابر محاصره قلعه **گیفو** در ماه اوت همان سال ، و در نهایت نبرد « **سکیگاهارا** » شرکت کرد . برخی از حضور **میاموتو موساشی** در جنگ **سکیگاهارا** تردید دارند ، زیرا می گویند موساشی بدلیل آنکه با پدرش ، **شینمن مونیسای** ، نجنگد ، از شرکت در جنگ خودداری کرده است .

به نظر می رسد اگر نظریه ی حذف نبرد **سکیگاهارا** از لیست نبردهای **میاموتو موساشی** را درست بدانیم ، آنوقت با 6 نبردی که موساشی در کتاب **گورین نو شو** بیان می کند ، در تناقض باشد . با این وجود سمت **تویوتومی** را از دست داد و آنجا را ترک کرد و زمانی را برای تمرین در کوه **هیکو سپری** کرد .

بعد از جنگ ، **میاموتو موساشی** برای مدتی ناپدید می شود . مکان بعدی که او در آنجا حضور می یابد

کیوتو است ، او در سن 20 (یا 21) سالگی وارد کیوتو شد و در آنجا یک سری از مبارزات زنجیره ایی را با مکتب « یوشیوکا » آغاز کرد.

پدر موساشی ، شینمن مونیسای ، نیز در برابر استاد مدرسه یوشیوکا جنگید و 2 پیروزی از 3 مبارزه را جلوی چشمان شوگان آن زمان بدست آورد و عنوان « بی رقیب در زیر آفتاب » را گرفت.

میاموتو موساشی برای مبارزه با یوشیوکا سچیرو ، استاد مدرسه یوشیوکا ، نام نویسی کرد . سچیرو مبارزه را پذیرفت و آنها با هم موافقت کردند که مبارزه در خارج رندایچی در راکوهوکو باشد ، در بخش شمالی کیوتو در تاریخ 8 مارس 1604 . میاموتو موساشی به محل مبارزه دیر آمد و این مسئله باعث شد تا سچیرو عصبانی شود و تمرکز لازم را نداشته باشد . آنها با هم رو به رو شدند و موساشی ضربه ایی به شانه ی سچیرو وارد کرد و این ضربه باعث شد تا شانه چپ سچیرو فلج شود . در نهایت سچیرو مغلوب قدرت و استراتژی میاموتو موساشی شد.

ظاهرا سچیرو ریاست مدرسه یوشیوکا را با برادر کوچکتر خود « یوشیوکا دانشیجیرو » به طور مساوی تقسیم کرده بود . دانشیجیرو برای انتقام گرفتن از میاموتو موساشی دست به کار شد و او را دعوت به مبارزه کرد . مبارزه این دو نفر در کیوتو و خارج معبد سانجو سانگن رخ داد . دانشیجیرو از یک چوب بلند که با حلقه فلزی (یا احتمالا توپ آهنی و زنجیری وصل شده به چوب) تقویت شده بود در برابر میاموتو موساشی به عنوان سلاح استفاده کرد . این بار هم مثل مبارزه قبلی موساشی دیر به محل مبارزه آمد ، موساشی او را خلع سلاح کرد و دانشیجیرو را کشت . این پیروزی دوم موساشی ، خشم خانواده یوشیوکا را برانگیخت.

یوشیوکا ماتاشیجیرو 12 ساله در حال حاضر رییس مدرسه یوشیوکا بود . آنها نیرویی از سربازان شمشیرزن ، سربازان تفنگدار ، و کمانداران را تشکیل دادند و موساشی را برای مبارزه در خارج از کیوتو در نزدیکی معبد ایچیجو - جی دعوت کردند. موساشی از عادت قبلی خود که دیر آمدن به محل مبارزه بود ، دست کشید ، و در اوایل ساعت مبارزه به معبد آمد . موساشی از حمله احتمالی و دید چشمان سربازان مخفی شد ، و در یک آن به سرعت از ناحیه ایی که در آنجا سربازان نبودند ، خود را به یوشیوکا ماتاشیجیرو رساند و او را به قتل رسانید و تمامی سربازان شوکه شدند ، او که در میان سربازان قرار داشت ، برای نجات خود با آنها جنگید و ده ها تن از آنها را کشت. موساشی مجبور شد با مخالفان خود بجنگد و از دو شمشیر برای دفاع از خود استفاده کند . این آغاز سبک شمشیرزنی میاموتو موساشی یعنی : « هیوهو نیتن ایچی - ریو » بود . با مرگ یوشیوکا ماتاشیجیرو ، شاخه ی مدرسه یوشیوکا نابود شد .

بعد از مدتی موساشی کیوتو را ترک کرد ، برخی از منابع می گویند که او به هوزواین در نارا سفر کرد . که احتمالاً برای مبارزه و یادگیری از راهبان آنجا ، که به طور خاصی متخصصان استفاده از سلاح نیزه شناخته می شدند ، به آنجا رفته است.

از سال 1605 تا 1612 ، او مدت زیادی در کل ژاپن ، به دنبال « موشا شوگیو » یک جنگجوی قدرتمند سفر کرد و در طول مسافرت های خود با مبارزه های متعدد مهارت خویش را بیشتر می کرد . میاموتو موساشی گفته بود که در مبارزه های واقعی خود از بوکن یا بوکوتو استفاده کرده است .

در سال 1607 ، موساشی از نارا به سمت ادو رفت که در طی این سفر با یک استاد سلاح « کوساری کاما » به نام « شیشیدو » مبارزه گرفت و او را با پرتاب کردن شوریکن به سمت گردنش ،

کشت . در ادو ، میاموتو موساشی ، « **موسو گونوسوکه** » را شکست داد ، موسو گونوسوکه در استفاده از « **چوب بلند** » مهارت بی نظیری داشت که این مهارت را در مدرسه « **شینتو موسو - ریو** » به خوبی کسب کرده بود . مدارک این مبارزه را می توان در هر دو مدرسه ، شینتو موسو - ریو و هیوهو نیتن ایچی ریو (مدرسه میاموتو موساشی) یافت . شینتو موسو - ریو با ارائه برخی مدارک نشان داده است که پس از شکست موسو گونوسوکه در برابر موساشی ، آنها مدتی بعد با هم مبارزه گرفتند که حاصل آن شکست خوردن موساشی از گونوسوکه بوده است . این در حالی است که هیچ منبع موثقی مبنی بر انجام این مبارزه به غیر از مدرسه شینتو موسو - ریو سنتی وجود ندارد و چنین چیزی قابل تایید نیست . میاموتو موساشی گفته است : بیشتر از 60 مبارزه انجام داده که هرگز در هیچ مبارزه ای شکست نخورده است ، گرچه این یک تخمین حفظ شده ایی است ، به احتمال زیاد محاسبه ایی برای افرادی که در جنگ های بزرگ کشته می شدند وجود نداشته است . در سال 1611 ، میاموتو موساشی ، تمرینات ذادن را در معبد « **میوشین - جی** » آغاز کرد ، مکانی که او با ناگااوکا سادو ، تبعه هوسوکاوا تادااوی ملاقات کرد ، تادااوی ارباب قدرتمندی بود که بعد از جنگ سکیگاهارا دامنه کوماموتو در غرب کیوشو را بدست آورد . [شینمن مونیسای که به شمال کیوشو رفته بود ، معلم تادااوی شد ، همچنین مونیسای منجر به معروف شدن این دو نفر شده است] . ناگااوی مبارزه ایی با شخصی قدرتمند و با مهارت به نام « **ساساکی کوجیرو** » انجام داده است ، کنجی توکیتسو معتقد است که مبارزه ی آنها با انگیزه های سیاسی بوده است ، تثبیت کنترل تادااوی بر ملک خود .

مبارزه موساشی و ساساکه کوجیرو

در 13 آپریل 1612، موساشی (در حدود 30 سالگی) با ساساکه کوجیرو مبارزه می کند، ساساکه کوجیرو به عنوان "شیطان استان های غربی" شناخته شده بود و از نودایچی به خوبی استفاده می کرد. میاموتو موساشی دیر و با ظاهری ژولیده به جای تعیین شده ی مبارزه آمد ---- جزیره فوناجیما در تنگه کانمون بین هونشو و کیوشو.

مبارزه کوتاهی بود. میاموتو موساشی حریف خود ساساکه کوجیرو را با بوکن در لب ساحل کشت، طبق افسانه ایی موساشی بوکن خود را با تراشیدن پارویی که در قایق های کوچک استفاده می شود، درست کرده است. دیر آمدن موساشی به محل مبارزه همچنان مورد بحث است. طرفداران ساساکه کوجیرو دیر آمدن موساشی را نوعی بی احترامی و بی شرمی می دانند ولی طرفداران موساشی بر این عقیده هستند که این راهی برای عصبانی کردن حریف بوده. نظریه ی دیگری حاکی از آن است که موساشی زمان آمدن خود را با هنگام به وجود آمدن جزر و مد تنظیم کرده است. جزر و مد مورد انتظار موساشی رخ داد. بعد از آنکه موساشی پیروز شد برای اینکه از چنگال هم پیمانان ساساکه کوجیرو بگریزد، به وسیله جزر و مد حاصله توانست به قایق خود بازگشته و جان خود را نجات دهد. نظریه ی دیگری می گوید: موساشی منتظر آن بوده که نور خورشید به سمت راست بیاید. بعد از جاخالی دادن

موساشی از ضربه ی ساساکی ، نور خورشید چشمان ساساکی را برای لحظه ایی کور می کند ، و همین موضوع باعث کشته شدن ساساکی می شود . خلاصه آنکه موساشی در همان سال مدرسه شمشیزنی دایر کرد .

خدمات موساشی:

در سال 1614 تا 1615 ، میاموتو موساشی در جنگی بین تویوتومی و توکوگاوا شرکت کرد . جنگ آرام شد زیرا توکوگاوا لیاو خانواده ی تویوتومی را تهدیدی بر حکومت خود در ژاپن می دید ، اکثر محققان بر این باورند که در جنگ قبلی موساشی در سمت تویوتومی جنگیده است . قلعه اوزاکا محل اصلی جنگ بود . اولین نبرد (نبرد زمستان اوزاکا - نبرد چهارم موساشی) با آتش بس موفقی پایان یافت . دومین نبرد (نبرد تابستان اوزاکا - نبرد پنجم موساشی) منجر به شکست کل ارتش غربی تویوتومی هیدیوری توسط ارتش شرقی لیاو در ماه می 1615 شد . بعضی از گزارش ها عنوان می کنند که موساشی با لیاو وارد نبرد تن به تنی شده است ،اما بعد از اینکه لیاو در برابر میاموتو موساشی احساس شکست می کند ، موساشی را استخدام می کند . این موضوع کمی بعید می رسد زیرا در آن زمان لیاو فردی ضعیف و سالخورده بوده است . اما تاکنون این موضوع غیرقابل فهم مانده است که چگونه موساشی مورد لطف لیاو قرار گرفته است .

بعضی ها می گویند که او در واقع از همان ابتدا در سمت توکوگاوا خدمت کرده است ، اما چنین چیزی ثبت نشده است ، هرچند موساشی به واسطه ی مبارزه با ساساکی کوجیرو با برخی از اتباع توکوگاوا ارتباط داشته است.

موساشی در سال 1615 از سوی « اوگاساوارا تاداناو » در استان هاریما استخدام شد ، در دعوت اوگاساوارا ، موساشی به عنوان " ناظر ساخت و ساز " منسوب شده بود ، موساشی از قبل ها در حال کسب مهارت در بخش های هنر و صنعت بوده است . او به ساخت قلعه « آکاشی » کمک کرد و در سال 1621 وضع شهر « هیمجی » را سازماندهی کرد ، او همچنین هنرهای رزمی را در طول اقامت خویش تدریس کرد ، و متخصص آموزش پرتاب شوریکن بود . در طول این مدت خدمات او به ثبت رسید.

در سال 1621 ، موساشی ، « گانبی میاکه » و سه نفر دیگر از « توگان - ریو » را در مقابل ارباب هیمجی شکست داد و این رویداد ثبت شد ، بعد از پیروزی ، موساشی به طرح هیمجی کمک کرد . در سن 22 سالگی ، موساشی طوماری از تکنیک های « انمی - ریو » را نوشت که به آن " نوشته هایی در مورد تکنیک های شمشیر انمی - ریو " گفته می شود . « EN » به معنای دایره یا کمال ، « mei » به معنای نور / وضوح و « ryu » به معنای مدرسه است ، به نظر می رسد این نام ، بر اثر نگه داشتن دو شمشیر در مقابل روشنایی که باعث به وجود آمدن دایره می شود ، گذاشته شده است.

در سال 1622 ، پسر خوانده ی موساشی ، « میاموتو میکینوسوکه » ، تبعه قلمرو هیمجی شد . احتمالاً این موضوع سبب شد تا موساشی آنجا را ترک کند ، و یک سری از سفر های پر پیچ و خم در سال 1623 را در ادو شروع کند ، جایی که او به مکتب کنفوسیوس هایاشی رازان علاقمند شد ، موساشی یکی از مشاوران شوگان شد.

موساشی قصد داشت تا استاد شمشیرزنی شوگان شود ، اما شوگان در آن زمان دو استاد شمشیرزنی داشت («اونو جیروامون تاداکی» و «یاگیو مونه نوری» --- که شخص دوم نیز مشاور سیاسی هم بود ، علاوه بر این رئیس پلیس مخفی شوگان نیز بود) ، بنابراین با درخواست موساشی موافقت نشد . موساشی ادو را برای رفتن به اوشو واقع در استان یاماگاتا ترک کرد ، جایی که او پسر خوانده ی دیگری ، به نام «میاموتو ایوری» را به سرپرستی قبول کرد . این دو پس از سفر ، در اوزاکا توقف کردند .

در سال 1626 ، میاموتو میکینوسوکه ، از سنت «جوشین» پیروی کرد ، و بخاطر اینکه اربابش مرده بود ، عمل «سپوکه» را انجام داد . در این سال ، میاموتو ایوری توسط ارباب اوگاساوارا ، استخدام شد . تلاش موساشی برای اینکه بتواند ملازم ارباب اواری شود ، مانند تلاش های قبلیش ناموفق ماند.

در سال 1627 ، موساشی دوباره سفر را شروع کرد . در سال 1634 ، او همراه با ایوری (پسر خوانده اش) در کواکرا ساکن شدند ، و بعد از آن در قلمرو «اوگاساوارا تادازانه» استخدام شدند ، او نقش مهمی در شورش «شیمابارا» داشت .

مذهب موساشی

حتی در اواخر سنش ، موساشی از دخالت مذهبش در شمشیرزنی جلوگیری می کند ، گزید هایی مانند زیر ، از کتاب پنج حلقه ، نشان می دهد فلسفه او در طول زندگی اش پایدار باقی مانده است:

" راههای گوناگونی وجود دارد : کنفوسیوس ، بودیسم ، راههای زیبایی ، کاشت برنج یا رقص ، که چنین چیزهایی در راه یک جنگجو وجود ندارد " .

به هر حال ، اعتقاد داشتن به این موضوع که میاموتو موساشی ، « شینتو » را دوست نداشت ، تصویری اشتباه است ، چون او از سبک شمشیرزنی « شینتو - ریو » انتقاد می کرد و نه از مذهب « شینتو » . در

« دوککودو » موساشی ، نظرش در مورد مذهب روشن می شود:

" احترام به بودا و خدا/یان بدون در نظر گرفتن تعداد کمک های آنها "

کنسی

در ژاپن باستان ، کنسی (شمشیر مقدس ، در زبان انگلیسی به عنوان کنسای ، کن سای ، کانسی یا کنشی ارائه می شود) ، عنوانی افتخاری بود که به جنگجوی افسانه ایی که دارای مهارت های بالا در شمشیرزنی بود ، داده می شد . ترجمه تحت اللفظی " کنسی " ، " شمشیر مقدس " است . بنابراین این واژه از سوی برخی درجه ایی بالاتر از کمال است (احتمالا شامل ابعاد اخلاقی نیز می شد) که معمولا از واژه " کنگو " یا شمشیر بزرگ استفاده می شود. این کلمه با واژه ی " کنشی " که به معنای " شمشیرزن " است ، اشتباه گرفته می شود .

به طور گسترده ایی در میان شمشیرزان عنوان « کنسی » برای شخص معروفی به نام میاموتو موساشی بیشتر در نظر گرفته می شود . سایر اشخاص تاریخی که برای آنها واژه « کنسی » در نظر گرفته می شود ، معمولا بنیانگذاران مدارس محبوب شمشیرزنی هستند.

در زیر با کنسی های معروف آشنا می شوید:

1. هاتوری هانزو
2. هیگاونا کانریو
3. ایتو ایتوسای کاگه هیسای
4. میناموتو نو یوشیتسونه

5. سایتو نو موساشیو بنکی

6. میاموتو موساشی

7. ساساکی کوچیرو

8. تسو کاھارا بوکودن

9. یاگیو هیوگونوسوکه

10. یاگیو جوبی میتسویوشی

11. یاگیو مونه نوری

12. اوکیتا سوجی

13. کاواکامی گنسای

五輪書

گورین نوشو

میاموتو موساشی کتابی در مورد فلسفه ، کن جوتسو و هنرهای رزمی دیگر نوشت ، آن کتاب گورین نو شو نام دارد که به زبان انگلیسی به نام کتاب پنج حلقه شناخته می شود . در حال حاضر در طی گذشت چندین سال انواع ترجمه های آن به زبان های مختلف وجود دارد و همچنین به طور قابل توجه ایی به غیر از رزمی کاران جهان ، افراد دیگری از آن بهره مند می شوند: برای مثال:

پنج کتاب اشاره به این عقیده دارد که عناصر مختلفی در جنگ دخیل هستند ، درست همانگونه که در زندگی عناصر فیزیکی مختلفی وجود دارد ، مانند آن چیزی که توسط بودیسم ، شینتو و مذاهب شرقی دیگر تشریح شده است . اصطلاح " مدرسه ایچی " ، که در کتاب گورین نو شو به آن اشاره شده ، هنگام مراجعه به این پنج کتاب ، ذکر می کند " نیتن نو ایچی ریو " یا " نی تن ایچی ریو " ، که در واقع ترجمه این نام ها به این صورت ، به معنای " دو شمشیر - یک بهشت " است ، هرچند که می تواند ترجمه ی آن توسط خیلی از افراد بدین صورت هم می باشد :

" دو شمشیر - یک روح " یا " دو شمشیر - یک وجود (نهاد) " .

در ادامه می توانید با کتاب های میاموتو موساشی آشنا شوید :

کتاب خاک:

راه استراتژی بدن از دیدگاه مدرسه ی من ایچی در کتاب خاک توضیح داده شده است . تحقق بخشیدن به راه و روش حقیقی فقط از طریق شمشیرزنی ، کار دشواری است . باید به کوچکترین و بزرگترین موارد و موارد سطحی و درست ترین موارد توجه کرد و آنها را فرا گرفت . بنابراین اگر یک جاده مستقیم را بر روی زمین بپنداریم ، اولین کتاب ، کتاب خاک نامیده می شود. همچنین موساشی در کتاب خاک ، در قسمتی راهی را برای مردانی که می خواهند استراتژی او را یاد بگیرند بیان می کند :

- احمقانه فکر نکنید .
- برای آموزش راهی هست .
- با هر هنری آشنا شوید.
- روش همه ی حرفه ها را بدانید.
- در امور دنیوی سود و ضرر را تشخیص دهید.
- گسترش قضاوت بصری و درک همه چیز.
- آن چیزهایی که دیده نمی شوند را درک کنید.
- حتی به موارد جزئی توجه کنید .
- چیزی وجود ندارد که مورد استفاده قرار نگیرد .

کتاب آب:

کتاب دوم ، آب نام دارد . آب به عنوان پایه و اساس است ، روح هم مانند آب است . آب با شکل ظرفش یکی میشود ، گاهی اوقات چکه ایی از ظرف بیرون می ریزد و گاهی اوقات مانند دریایی طوفانی . رنگ آب ، آبی شفاف (زلال و روشن) است . به وضوح و روشنی همه چیز از مدرسه ایچی در این کتاب آمده است . هنگامی که شما بتوانید به راحتی یک مرد را شکست دهید ، پس در این صورت شما می توانید به راحتی هر مردی را در این جهان شکست دهید . روحیه شکست دادن یک مرد با روحیه شکست دادن ده هزار مرد یکسان است . فردی خبره در استراتژی چیزهای کوچک را به چیزهای بزرگ تبدیل می کند ، مانند ساختمان بودا که از یک مدل یک فوتی ساخته شده است . من نمی توانم جزئیات چگونگی ساخت و انجام آن را در این کتاب بنویسم . اصل استراتژی این است که با داشتن یک چیز ، ده هزار چیز بدست بیاورید .

کتاب آتش:

سومین کتاب ، آتش نام دارد . این کتاب در مورد نحوه ی جنگیدن است . روحیه از آتش شدید است ، چه آتش کوچک و چه آتش بزرگ ، که پس از آن جنگ ها هستند . روش مبارزه یکسان است ، چه

مبارزه با یک نفر و چه مبارزه با ده هزار نفر در هر طرف . شما باید این موضوع را درک کنید که روحیه می تواند ، به یک روحیه قوی و یا یک روحیه ضعیف تبدیل شود . آنچه بزرگ است ، آسان درک می شود ؛ اما آنچه کوچک است ، به سختی درک می شود . به طور خلاصه افرادی که موقعیت خویش را به سختی تغییر می دهند ، میتوان به راحتی حرکات آنها را پیش بینی کرد . فردی که به راحتی فکر خود را تغییر می دهد ، پیش بینی حرکاتش سخت و دشوار است . شما باید این موضوع را درک کنید . جوهره ی این کتاب این است که شما روز و شب آموزش ببینید تا بتوانید در لحظات حساس ، تصمیمات درست بگیرید . آموزش استراتژی ، برای درمان بخشی از زندگی طبیعی و روح تغییر ناپذیر شما ، لازم است . بنابراین ، روش مبارزه در جنگ ، در کتاب آتش شرح داده شده است .

کتاب باد:

چهارمین کتاب باد نام دارد . در این کتاب از تفکر مدرسه خود ایچی استفاده نکرده ام ، اما استراتژی ها و اندیشه های مدارس دیگر را در آن شرح داده شده است . منظورم از باد استراتژی سنت های قدیمی ، آداب و رسوم امروزی و سنت های خانواده است . بنابراین ، استراتژی های جهان را به صورت شفاف و روشن توضیح می دهم . این سنت است . این دشوار است که شما کاری را با آگاهی کامل انجام دهید در حالی که دیگران به آن کار آگاهی ندارند . اگر روش روزمره ی شما مطالعه کردن است و روح شما با آن مشکل دارد ، ممکن است

فکر کنید راه خوبی در پیش دارید اما هدف آن راه درستی نیست . اگر راه درست را مدنظر دارید ولی با آن یک مشکل کوچک دارید ، این مشکل در آینده به یک مشکل بزرگ تبدیل خواهد شد . شما باید این موضوع را درک کنید . دیگر استراتژیست ها باید از فکر خود استفاده کنند تا اینکه فقط به شمشیرزنی خالی متکی باشند ، و این خواسته ی نامعقولی نیست ، همچنین باید چنین چیزی وجود داشته باشد . سودمندی از استراتژی من ، هرچند که شامل شمشیرزنی می شود ، ولی قانون دیگری نیز دارد . توضیحات من که معمولا بیان استراتژی های مدارس دیگر است ، در کتاب باد (سنت) قرار گرفته است .

کتاب خلاء:

کتاب پنجم خلاء نام دارد . منظور من از خلاء یعنی آنچه را که آغازی ندارد و پایانی هم ندارد . دستیابی به این اصل به معنای دستیابی به اصل همه چیز نیست . راه استراتژی ، راه طبیعت است . هنگامی که شما قدرت طبیعت را در کنید ، روند هر وضعیتی را خواهید دانست ، و قادر خواهید بود به دشمن به طور طبیعی و غیر طبیعی ضربه وارد کنید . همه ی اینها از راه خلاء است . قصد دارم تا چگونه به دنبال راه حقیقی رفتن براساس طبیعت را در کتاب خلاء نشان دهم .



نسخه اصلی پنج حلقه (گورین نو شو) که به قلم میاموتو موساشی نوشته شده است .

تصویر سمت راست ، از سمت راست به چپ به ترتیب : کتاب خاک ، کتاب آب ، کتاب آتش ، کتاب باد ، کتاب خلاء

兵法二天一流

هیوهو نیتن ایچی ریو

از آنجا که هیچ راحتی در هنگام گرفتن شمشیر با دو دست وجود ندارد ، میاموتو موساشی نیز از استفاده کردن شمشیر به این صورت راضی نیست و آن را توصیه نمی کند . او خود این موضوع را تشریح کرده است که اگر یک شمشیر را با دو دست بگیریم ، امکان این را نداریم که بتوانیم آزادانه به هر طرفی مانور دهیم . میاموتو موساشی به استفاده شمشیر با هر دو دست اعتراض می کند ، چون می گوید : اگر شما سوار بر اسب باشید یا اینکه در مکان های باتلاقی یا زمین های کشاورزی و یا در انبوهی از جمعیت قرار داشته باشید نمی توانید به هیچ وجه به خوبی و راحتی مبارزه کنید .

پس از تسلط وی در هنر کن جوتسو بخش استفاده از 2 شمشیر ، موساشی اعلام می کند که می تواند به طور قابل توجهی مهارت های فردی مربوط به استفاده از شمشیر بلند (کاتانا) و شمشیرهای همدم به طور مثال واکیزاشی را ارتقاء دهد .

میاموتو موساشی بزرگ نام هنر کن جوتسوی دو شمشیری خود را " نیتن ایچی - ریو " (" دو آسمان مانند یکی ") و یا " نیتو ریو " (" مدرسه دو شمشیر ") گذاشت . برخی از مورخان بر این باور هستند که موساشی بزرگ سبک منحصر به فرد کن جوتسوی خودش را پس از الهام گرفتن از طبل زدن تایکو

ژاپنی ایجاد کرده است . برخی از مورخان دیگر بر این باورند که موساشی از سبک جنگی شمشیرزنی پدرش مونیسای که به طور همزمان از کاتانا و جوتو استفاده می کرد ، الهام گرفته است . یکی از مزیت های سبک موساشی کارآمد و قدرتمند بودن آن بود .

این سبک هیچ حرکت زرق و برق دار (نمایشی) ، ضربه و حرکات نامطلوبی ندارد .

دیگر مزیت این هنر فاصله و زمان بندی موجود در آن بود . در نتیجه ، حمله ای بسیار محکم وجود خواهد داشت بدون حرکت اضافه و بی فایده ای .

هنر استفاده کردن از دو شمشیر در جنگ که توسط میاموتو موساشی توسعه یافته بود امکان استفاده کارآمد از دو سلاح **کاتانا و واکیزاشی** را به طور همزمان فراهم می کرد . این روش دارای تکنیک های شمشیر تکی و همچنین روش های پرتاب سلاح (**شوریکن**) می شد که خود موساشی در جنگی واکیزاشی خود را به ماهرانه ایی به سوی دشمنش پرتاب کرد و او را کشت .

باید توجه داشته باشیم که هنر " نیتن ایچی ریو " از **تجربه ی** میاموتو موساشی در طول جنگ ها و مبارزاتش به وجود آمده است .

هر چند که در این روش از دو شمشیر بیشتر استفاده می شود ، اما شامل تکنیک هایی همچون :

" **تاچی** " (شمشیر بلند) ، " **کودایچی** " (شمشیر کوتاه) ، و " **بو** " (یک چوب بلند) می شود .

میاموتو موساشی به عنوان استادی ماهر در زمینه پرتاب سلاح مشهور بوده است .

مدیران سبک هیوهو نیتن / یچی ریواز ابتدا تا به امروز به شرح زیر هستند:

1. شینمن میاموتو موساشی نو کامی فوجیوارا نو گنشین (بنیانگذار سبک)
2. ترااو کیومانوسوکه نوبویوکی (نام دوم را می توان « موتومنوسوکه » نیز خواند)
3. ترااو گومون کاتسویوکی
4. یوشیدا جوستسو ماساهيرو
5. سانتو هیکوزامون کیوهیده
6. سانتو هانبه کیو-آکی
7. سانتو شینجورو کیوتا که
8. آاو کی کیکو هیساکاتسو
9. کیوناگا تاداناو ماسامی
10. ایمای ماسایو کی نوبوکاتسو
11. ایوامی توشیو گنشو / کیوناگا فومیا / چین کین (تایوان)
12. یوشیموچی کیوشی (جانشین کیوناگا فومیا)



یوشیموچی کیوشی سنسه در حال استفاده
از سلاح بو (چوب)



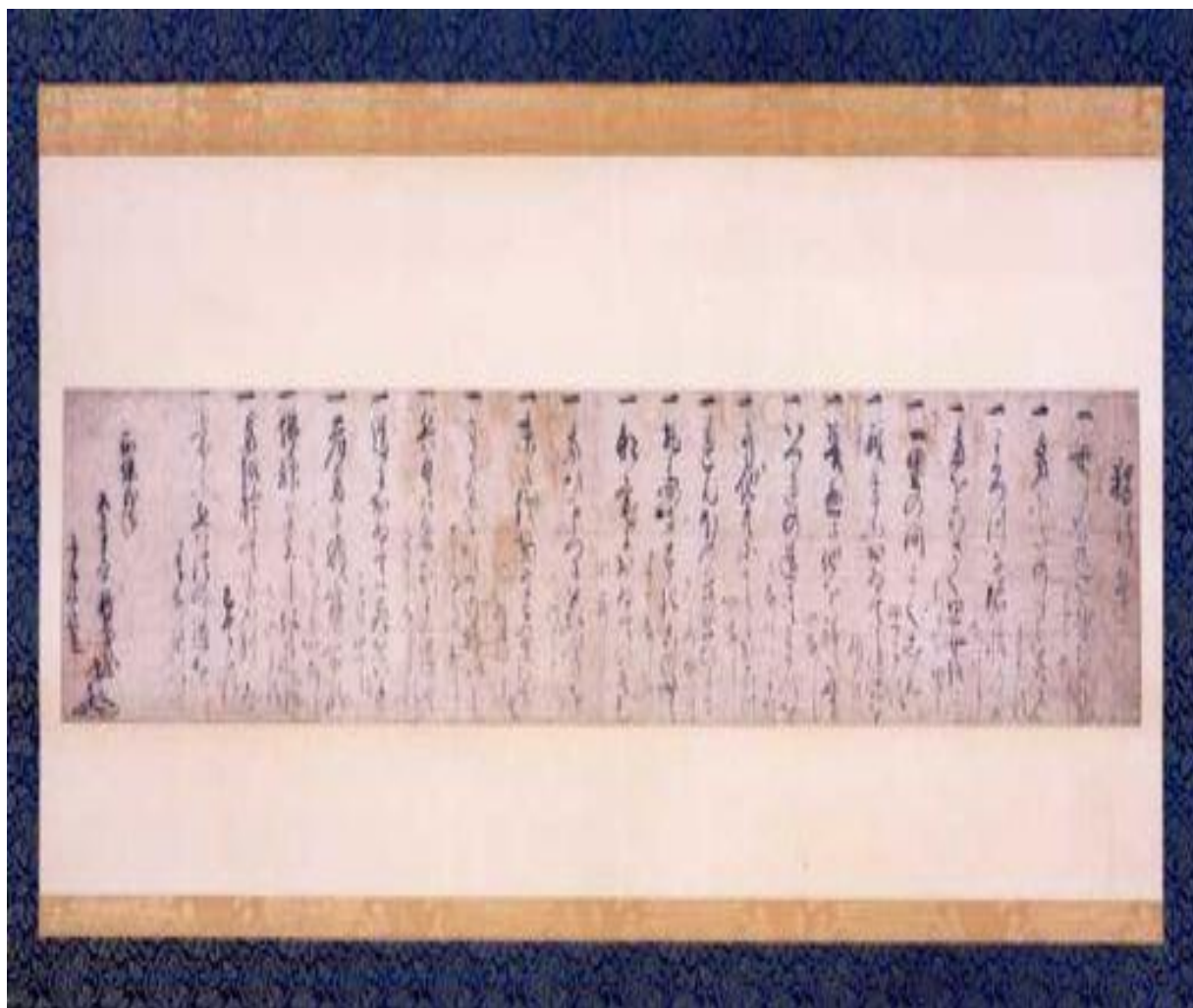
تصویری از یوشیموچی کیوشی سنسه
در حال استفاده از دو شمشیر

دوکودو

دوکودو (به معنی " راه تنها بودن " یا " راهی به دنبال تنهایی " یا " راه تنها رفتن ") کاریست که توسط استاد بزرگ میاموتو موساشی یک هفته قبل از مرگش در سال 1645 نوشته شده است . این کاری کوتاه است ، که از 19 یا 21 اصل تشکیل شده است . این نوشته ها که تا حد زیادی بنا به دلیل اینکه موساشی اموال دور افتاده اش را بخشیده و اینکه برای مرگ آماده می شده ، نوشته شده است ، و به شاگرد مورد علاقه اش اختصاص داده شده بود ، « ترااو ماگونوجو » (کسی که کتاب گورین نو شو زودتر از دیگران در اختیارش قرار گرفت) ، که آنها در قلبش قرار گرفت . این بیانات زندگی دقیق ، صادقانه و همراه با ریاضت و سختی را نشان می دهد . در زیر می توانید این 21 اصل را بخوانید:

1. من هرگز خلاف اصول اخلاقی سنتی عمل نمی کنم.
2. من علاقه ی شدیدی نسبت به کسی یا چیزی ندارم.
3. من هرگز تلاش نمی کنم تا لحظه ایی راحتی و آسایش را بدست بیاورم.
4. من کمی به خودم ، ولی بیشتر به مردم فکر می کنم.
5. من کاملاً از عطش برای زندگی خالی هستم .
6. من هرگز از آنچه انجام داده ام ، متأسف نیستم.
7. من هرگز به موفقیت دیگران حسادت نمیکنم ، یا این موفقیت را به حساب بدشانسی خویش نمیدانم

8. من هرگز در فراق کسی یا چیزی غمگین نمی شوم.
9. من هرگز خودم یا دیگران را سرزنش نمی کنم ، هرگز در مورد خودم و دیگران شکایت نمی کنم .
10. من هرگز رویای افتادن در عشق یک زن را در سر نمی پرورانم.
11. دوست داشتن و تنفر ، من هیچکدام را ندارم .
12. هر چیزی که ممکن است خانه سکونت من باشد ، در استفاده از آن اعتراضی نمی کنم.
13. من هرگز به غذایی لذیذ و خوش طعم برای خودم علاقمند نیستم.
14. من هرگز اشیای عتیقه یا کمیاب در اختیار ندارم.
15. عمل نکردن به اعتقادات مرسوم .
16. من سلیقه ایی در وسایل ندارم ، به جز شمشیر و سلاح های دیگر.
17. من هرگز از مرگ در راه عدالت ترس ندارم .
18. من هرگز آرزو نمیکنم که املاکی داشتم باشم تا در سن پیری راحت زندگی کنم .
19. من خدایان و مجسمه های بودا را می پرستم ، اما هرگز به کمک آنها فکر نمیکنم.
20. شما ممکن است بدن خود را رها کنید اما باید از شرف و آبروی خود دفاع کنید .
21. هرگز حتی برای لحظه ایی قلب و روح من از شمشیرزنی جدا نمی شود .



متن اصلی دوکودو موساشی (راه تنهایی رفتن)

بعد از مرگ و زندگی

در سال 1640 ، میاموتو موساشی رسماً ملازم « هوسوکاوا تاداتوشی » ، ارباب قلعه کوماموتو شد ، و

17 ملازم وفادار برای خدماتش گرفت و همچنین قلعه چیا را به عنوان محل اقامتش کسب کرد . یک

سال بعد ، در سال 1641 ، موساشی برای هوسوکاوا تاداتوشی متنی نوشت به نام

" هیوهو سانجو گو " ، که به معنای " سی و پنج دستور عمل مربوط به استراتژی " است ، کتابی در مورد

فلسفه جنگ و روش جنگیدن از دیدگاه موساشی . این کتاب اساس شاهکار موساشی را تشکیل داد ،

گورین نو شو ، کتابی که در دو سال آینده او تکمیل خواهد شد .

در سال 1642 ، میاموتو موساشی دچار حملات عصبی شد ، اختلالات دردناک اعصاب . احساس اینکه

به پایان زندگی اش نزدیک می شود ، باعث شد تا موساشی بازنشسته به غاری به نام

" ریگاندو " برود ، نزدیک به کوماموتو ، و در سال 1643 شروع به نوشتن گورین نو شو ، کتاب پنج

حلقه کرد . او کتاب را در ماه دوم سال 1645 به پایان رساند و آن را به نزدیک ترین شاگرد خود

داد .

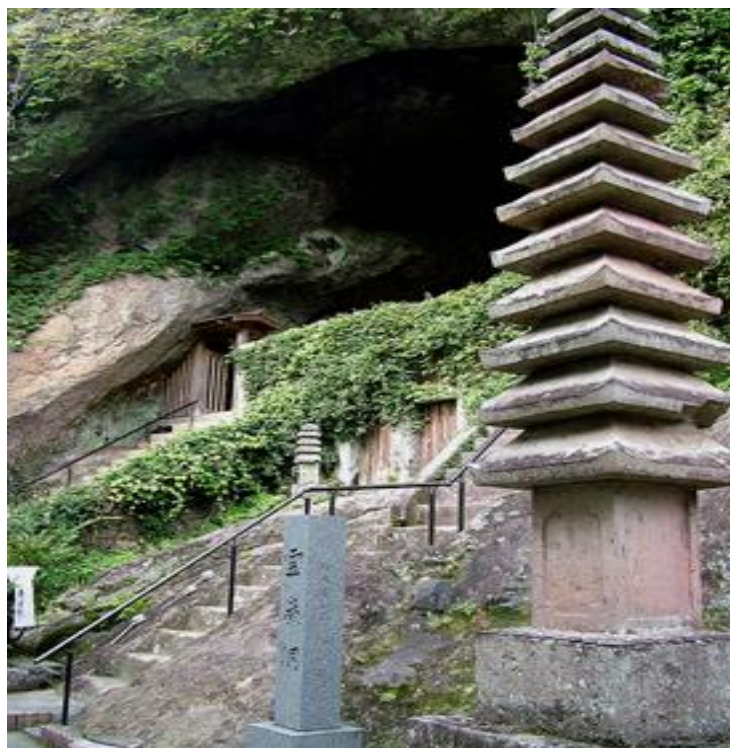
در دوازدهمین روز ماه پنجم سال 1645 ، او نوشتن " دوکودو " (راه تنهایی رفتن) را به پایان

رسانید ، طوماری در باب نظم و انضباط بود و یک راهنما برای نسل های آینده . او درغار ریگاندو

نزدیک به نوزدهمین روز ماه پنجم سال 1645 یا شاید 13 ژوئن 1645 ، درگذشت .



تصویری از اطراف غار ریگاندو



تصویری از غار ریگاندو



تصویری از ورودی غار ریگاندو



شمشیر موساشی

چون طرح تسوبا (گارد محافظ دستها) این نوع از شمشیرها را موساشی ساخته است به آنها شمشیر موساشی میگویند.



نمونه ایی از شمشیر با تسوبا موساشی



نمونه هایی از شمشیر با تسوبا موساشی



تسویا موساشی



تصویری از میاموتو موساشی بزرگ



نقاشی که میاموتو موساشی آن را کشیده است .

یک راهب در حال تماشای دو خروس در حال جنگ



نقاشی که میاموتو موساشی آن را کشیده است .



ایچیجوجی ساگاریماتسو ، مکان مبارزه ایی که بین موساشی و مدرسه یوشیوکا رخ داد .

منابع :

The Book The Lone Samurai : The Life of Miyamoto Musashi

Writer : William Scott Wilson

کتاب سامورایی تنها : زندگینامه میاموتو موساشی

نویسنده : ویلیام اسکات ویلسون

The Book Musashi

Writer : Eiji Yoshikawa

کتاب موساشی

نویسنده : ایجی یوشیکاوا

<http://www.musashi-miyamoto.com/niten-ichi-ryu.html>

<http://www.musashi-miyamoto.com/late-life-and-death.html>

A Book Of Five Rings " Go Rin No Sho " by Miyamoto Musashi

<http://www.kampaibudokai.org/Niten.htm>

<http://www.wikipedia.org/>